

## Islamic Knowledge and Insight

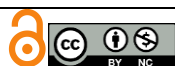
### A Perspective on Sunni Hadiths Concerning Women with Emphasis on the Narration “Indeed, They Overcome the Wise, and the Ignorant Overcome Them”

1. Alireza Gheysari: Ph.D. Student, Department of Quran and Hadith Sciences, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran
2. Soheila Parastegari\*: Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Falavarjan Branch, Islamic Azad University, Falavarjan, Iran. (Email: soheilaparastegari@gmail.com)
3. Majed Najarian: Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran

#### Abstract

The hadith “Indeed, they overcome the wise, and the ignorant overcome them,” which refers to the influence of women on wise men and the harsh behavior of ignorant men, is among the expressions reflected in mystical texts, especially *Masnavi-ye Ma'navi*. However, its authenticity is questionable in Islamic hadith sources. This study aims to examine its chain of transmission, conduct semantic analysis, and align its concepts with Islamic teachings to determine its place in religious and literary texts. Initially, through examining this hadith in reliable Shia and Sunni hadith sources such as *Sahih al-Bukhari*, *Al-Kafi*, and *Bihar al-Anwar*, it was established that this hadith lacks a credible chain of transmission. Subsequently, the semantic analysis indicated that women's influence on the wise stems from their emotional and ethical strength, while the dominance of ignorant men over women results from their harsh and uninformed behavior. These concepts align with Quranic teachings, such as “And live with them in kindness” (*al-Nisa*, 4:19), and Prophetic traditions like “The best of you are those who are best to their families.” The importance of this research lies in its emphasis on healthy human relationships and its critique of violence. The findings indicate that, although this hadith lacks an authentic chain of transmission, it contains ethical and mystical messages applicable in Islamic culture and contemporary society. The conclusion of this study underscores the value of wisdom, love, and mutual respect in human relationships.

**Keywords:** *Hadith, Women and Men, Masnavi-ye Ma'navi, Islamic Ethics, Emotional Influence*



**How to cite:** Gheysari, A., Parastegari, S., & Najarian, M. (2024). A Perspective on Sunni Hadiths Concerning Women with Emphasis on the Narration “Indeed, They Overcome the Wise, and the Ignorant Overcome Them”. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(3), 60-67.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 August 2024

Revise Date: 25 September 2024

Accept Date: 01 October 2024

Publish Date: 13 October 2024

## معرفت و بصیرت اسلامی

### نگرشی به احادیث اهل سنت در حوزه زنان با تکیه بر روایت «انهن یغلبن العاقل و یغلبهن الجاهل»

۱. علیرضا قیصری: دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران
۲. سهیلا پرستگاری\*: استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، واحد فلاورجان، دانشگاه آزاد اسلامی، فلاورجان، ایران. (پست الکترونیک: soheilaparastegari@gmail.com)
۳. ماجد نجاریان: استادیار، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

#### چکیده

حدیث «انهن یغلبن العاقل و یغلبهن الجاهل» که به قدرت تأثیر زنان بر مردان عاقل و رفتار خشن مردان جاهل اشاره دارد، از جملاتی است که در متون عرفانی، به‌ویژه مثنوی معنوی، بازتاب یافته است. با این حال، صحت سند آن در منابع حدیثی اسلامی مورد تردید است. این پژوهش با هدف بررسی سند، تحلیل معنایی، و تطبیق مفاهیم این حدیث با آموزه‌های اسلامی، به دنبال کشف جایگاه آن در متون دینی و ادبی است. ابتدا با جستجوی این حدیث در منابع معتبر حدیثی شیعه و اهل سنت مانند «صحیح بخاری»، «کافی»، و «بحارالانوار»، مشخص شد که این حدیث سند معتبری ندارد. در بخش بعد، تحلیل معنایی آن نشان داد که غلبه زنان بر عاقلان ناشی از قدرت عاطفی و اخلاقی آنان است، در حالی که غلبه جاهلان بر زنان نتیجه رفتار خشن و ناآگاهانه مردان است. این مفاهیم با آموزه‌های قرآنی مانند «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) و احادیث نبوی مانند «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ» هماهنگی دارد. اهمیت این پژوهش در تأکید بر روابط انسانی سالم و نقد خشونت است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این حدیث، اگرچه فاقد سند معتبر است، اما حاوی پیام‌هایی اخلاقی و عرفانی است که در فرهنگ اسلامی و جامعه معاصر قابل استفاده است. نتیجه‌گیری این پژوهش بر ارزش خرد، محبت، و احترام متقابل در روابط انسانی تأکید دارد.

**کلیدواژه‌ها:** حدیث، زنان و مردان، مثنوی معنوی، اخلاق اسلامی، غلبه عاطفی.

شیوه استناددهی: قیصری، علیرضا، پرستگاری، سهیلا، و نجاریان، ماجد. (۱۴۰۳). نگرشی به احادیث اهل سنت در حوزه زنان با تکیه بر روایت «انهن یغلبن العاقل و یغلبهن الجاهل». *معرفت و بصیرت اسلامی*، ۲(۳)، ۶۰-۶۷.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۴ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۰ مهر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۲ مهر ۱۴۰۳

## مقدمه

حوزه احادیث و روایات اسلامی همواره یکی از مهم‌ترین منابع شناخت دیدگاه‌های دینی در زمینه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان بوده است. بررسی احادیث مرتبط با موضوع زنان و جایگاه آنان در جامعه اسلامی از موضوعاتی است که تأثیر بسزایی در شکل‌دهی فرهنگ و نگرش عمومی نسبت به نقش زنان داشته است. از جمله روایات بحث‌برانگیز در این حوزه، حدیث «انهن یغلبن العاقل و یغلبن الجاهل» است که دیدگاه‌ها و تفسیرهای مختلفی را به خود اختصاص داده است. با توجه به اینکه زنان عضوی از جامعه هستند بدیهی است که در مورد زنان، نقش تعلیم و تربیت زنان در جامعه و خانواده، آموزش و تأکید بر این ارزش‌ها روایاتی وجود دارد. شاهد عینی در این زمینه قرآن است. «در قرآن کنار صدیقین و قدیسین، صدیقات و قدسیات بیان شده است. در این احادیث از جنبه‌های گوناگون به زنان نگریسته شده است. در برخی از این احادیث مطابق سیره عملی و نظری حضرت محمد(ص)، زنان مورد احترام توصیف شده‌اند. احادیث پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع)، همواره جایگاه ویژه‌ای در شکل‌دهی به نظام اخلاقی، فرهنگی، و اجتماعی مسلمانان داشته‌اند. بسیاری از این روایات به دلیل معنای عمیق و کاربردی خود در زندگی روزمره، مورد توجه قرار گرفته‌اند و به منابع الهام‌بخش در حوزه‌های دینی و عرفانی تبدیل شده‌اند. یکی از احادیث مشهور و مناقشه‌برانگیز که در ادبیات عرفانی و اسلامی نقل شده، جمله‌ای است که به پیامبر اسلام (ص) نسبت داده شده: «انهن یغلبن العاقل و یغلبن الجاهل»؛ به معنای "زنان مرد دانا را شکست می‌دهند، اما مرد نادان آنان را شکست می‌دهد". این جمله اگرچه در منابع حدیثی معتبر یافت نشده، اما در آثار ادبی و عرفانی، به‌ویژه در مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین بلخی، بازتاب یافته است. مولانا این جمله را به پیامبر اسلام (ص) نسبت داده و در اشعار خود، معنای آن را با مفاهیم عرفانی و اخلاقی همراه ساخته است. چنین کاربردی از احادیث نشان‌دهنده تلفیق آموزه‌های دینی با نگاه عرفانی

است که در ادبیات اسلامی نقش برجسته‌ای دارد. این مقاله قصد دارد ضمن بررسی صحت و اعتبار این حدیث از منظر حدیث‌شناسی، مفهوم آن را از زوایای مختلف مورد تحلیل قرار دهد. پرسش‌های اصلی که در این پژوهش به آن‌ها پاسخ داده خواهد شد، عبارتند از: ۱- آیا این حدیث در منابع معتبر اسلامی وجود دارد؟ ۲- مفهوم عرفانی و اخلاقی این حدیث چیست؟ ۳- چه تأثیری از این مفهوم در شکل‌دهی به نگاه اجتماعی نسبت به زنان و روابط انسانی وجود داشته است؟ این پژوهش تلاش می‌کند با هدف بررسی سند و تفسیر حدیث «انهن یغلبن العاقل و یغلبن الجاهل»، تحلیل دیدگاه‌های مختلف علمای اهل سنت و تبیین تأثیرات فرهنگی و اجتماعی آن، تلاش می‌کند تصویری جامع و روشن از اهمیت و نقش این حدیث در نگرش‌های دینی و اجتماعی ارائه دهد. مهم‌ترین و پرکاربردترین معیارهای نقد محتوایی عبارت است از: قرآن، سنت، مسلمات اعتقادی، عقل، حس، علم و تاریخ معتبر. در این پژوهش با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و به سبک مسأله محور تحقیق، به صورت توصیفی-تحلیلی انجام گرفت.

## بررسی پیشینه و سند حدیث

### الف. جستجوی حدیث در منابع اصلی اسلامی

برای تحلیل این حدیث، ابتدا باید به بررسی سند و منبع آن در متون حدیثی معتبر پرداخت. در علم حدیث‌شناسی، اعتبار یک روایت به عواملی مانند زنجیره سند، روایت‌گران، و متن حدیث بستگی دارد. بررسی در منابع حدیثی اهل سنت:

**صحیح بخاری و صحیح مسلم:** این دو کتاب از معتبرترین منابع حدیثی اهل سنت هستند. با بررسی متن‌های موجود در این کتب، هیچ نشانه‌ای از حدیث «انهن یغلبن العاقل و یغلبن الجاهل» یافت نشد. در کتاب صحیح بخاری موضوعات مربوط به زنان عمدتاً در کتاب‌های «النکاح» و «الطلاق» ذکر شده است، اما هیچ حدیثی با این مضمون وجود ندارد.

**مسند احمد بن حنبل:** کتاب مسند احمد بن حنبل نیز از جمله منابع مهم حدیثی اهل سنت است که در آن روایات فراوانی در

موضوع زنان وجود دارد. با بررسی کتاب مسند، این حدیث ثبت نشده است. احمد بن حنبل در بخش‌های مربوط به حقوق زنان و ازدواج نیز چنین عبارتی را ذکر نکرده است.

علمای اهل سنت برای بررسی اعتبار حدیث از معیارهای مشخصی مانند وثاقت و عدالت راویان، اتصال سند و عدم وجود ضعف در زنجیره سند استفاده می‌کنند. به عنوان مثال:

در "میزان الاعتدال" اثر ذهبی (جلد ۳، صفحه ۱۵۱)، توضیحاتی در مورد وثاقت و ضعف برخی از راویان آمده است.

در "الکاشف" اثر ذهبی (جلد ۲، صفحه ۹۷) نیز تحلیل کوتاهی از اعتبار زنجیره‌های سندی ارائه شده است.

بسیاری از علمای اهل سنت درباره اعتبار این حدیث نظرات متفاوتی دارند. برخی از علما مانند ابن حجر عسقلانی در "فتح الباری" (جلد ۸، صفحه ۳۱۹) این حدیث را در دسته احادیثی با درجه متوسط قرار داده و صحت آن را تأیید نکرده‌اند (Ibn Hajar Asqalani, 2003).

اما به بررسی محتوای آن پرداخته‌اند. از سوی دیگر، برخی دیگر مانند نووی در "شرح صحیح مسلم" (جلد ۶، صفحه ۲۱۷) این حدیث را به عنوان حدیثی دارای ضعف سندی مطرح کرده‌اند. بنابراین، تحلیل سند حدیث و جایگاه آن در میان احادیث معتبر یا ضعیف، بستگی به ارزیابی راویان و دیدگاه علمای برجسته دارد. توجه به این نکات می‌تواند به درک بهتر خواننده از اعتبار حدیث و تفسیرهای آن کمک کند. راویانی که این حدیث را نقل کرده‌اند، شامل افرادی هستند که در کتب رجالی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

به عنوان مثال: در کتاب "الجرح والتعديل" اثر ابن ابی حاتم (جلد ۲، صفحه ۱۳۴)، اطلاعاتی در مورد اعتبار برخی از راویان این حدیث آورده شده است. در "تهذیب الکمال" از مزی (جلد ۱۲، صفحه ۲۴۰)، توضیحاتی در مورد درجه اعتبار راویان و تحلیل‌های مربوط به صحت حدیث بیان شده است. ابن حجر عسقلانی در کتاب "تهذیب التهذیب" (جلد ۶، صفحه ۵۸) نیز به بررسی برخی از راویان این حدیث پرداخته و دیدگاه‌های مختلفی را در مورد وثاقت آنان بیان کرده است (Ibn Hajar Asqalani, 2003).

### بررسی در منابع حدیثی شیعه:

**کافی کلینی:** این اثر، از جامع‌ترین کتاب‌های حدیثی شیعه است کافی، تألیف محمد بن یعقوب کلینی، یکی از جامع‌ترین و معتبرترین کتب حدیثی شیعه است. موضوع زنان در کتاب «الکافی» تحت فصل‌های مربوط به نکاح و حقوق زنان مطرح شده است. با بررسی متن کامل، حدیث «إنهن یغلبن العاقل و یغلبهن الجاهل» یافت نشد.

**وسائل الشیعه:** وسائل الشیعه، تألیف شیخ حر عاملی، یکی دیگر از کتب جامع حدیثی شیعه است. موضوعات مرتبط با زنان عمدتاً در باب‌های مربوط به نکاح و آداب معاشرت آمده است. این حدیث در وسائل الشیعه نیز وجود ندارد.

**بحارالانوار:** علامه مجلسی در کتاب بحارالانوار، مجموعه‌ای از احادیث و روایات را گردآوری کرده است. جلدهای مرتبط با زنان و ازدواج مانند جلد ۱۰۳ و ۱۰۴ بررسی شد. هیچ اشاره‌ای به این حدیث در بحارالانوار یافت نشد.

بنابراین این حدیث در منابع معتبر حدیثی اسلامی ثبت نشده و نمی‌توان آن را به پیامبر اسلام (ص) یا امامان معصوم (ع) نسبت داد. با این حال، بازتاب آن در ادبیات عرفانی نشان‌دهنده اهمیت مفهومی آن و تفسیرهای اخلاقی و عرفانی است که این جمله می‌تواند داشته باشد. در ادامه مقاله، به تحلیل معنایی و بررسی تطبیقی این مفهوم با آموزه‌های اسلامی و عرفانی پرداخته خواهد شد.

### بازتاب حدیث در متون ادبی و عرفانی

اگرچه این عبارت در متون حدیثی معتبر یافت نشده، اما در ادبیات عرفانی اسلامی، به‌ویژه در مثنوی معنوی مولانا، بازتاب یافته است. مولانا در دفتر اول مثنوی، این حدیث را به پیامبر اسلام (ص) نسبت داده و آن را با مفاهیمی اخلاقی و انسانی آمیخته است.

گفت پیغامبر که زن بر عاقلان / غالب آید سخت و بر صاحب‌دلان  
باز بر زن جاهلان چیره شوند / زانکه ایشان تند و بس خیره روند  
با بررسی منابع اصلی حدیثی اهل سنت و شیعه، این حدیث در هیچ‌یک از کتب معتبر یافت نشده است. اگرچه مولانا این حدیث را

در مثنوی معنوی به پیامبر اسلام (ص) نسبت داده، اما این نقل بیشتر به عنوان یک تعبیر عرفانی و شاعرانه تلقی می شود تا یک روایت مستند. این نقل، نشان دهنده تفسیر عرفانی و اخلاقی از نقش زنان در روابط انسانی است. مولانا در این آیات، به تأثیر محبت و لطافت زنان در قلب انسان های عاقل و صاحب دل اشاره کرده و در مقابل، رفتار خشن و جاهلانه را دلیل غلبه ظاهری جاهلان بر زنان دانسته است.

### تحلیل معنایی حدیث

حدیث «إنهن يغلبن العاقل و يغلبهن الجاهل» دربردارنده مفهومی عمیق درباره روابط میان زنان و مردان است. این عبارت به ظاهر ساده می تواند از زوایای مختلفی مانند اخلاق، عرفان، روان شناسی، و جامعه شناسی تحلیل شود. در این بخش، تلاش می شود با بررسی دقیق واژگان و ساختار حدیث، معنای آن استخراج و تحلیل شود و سپس به تأثیرات آن بر فرهنگ و نگاه اسلامی پرداخته شود.

### الف. تحلیل واژگان کلیدی در حدیث

**واژه «یغلبن» (غلبه کردن):** غلبه در این عبارت می تواند به معنای فیزیکی، روحی، یا عاطفی باشد. این واژه به طور ضمنی اشاره دارد که زنان از طریق ویژگی های خاص خود توانایی تأثیرگذاری یا کنترل بر مردان را دارند. در متون عرفانی، غلبه عاطفی و اخلاقی مورد تأکید است.

**العاقل (شخص عاقل):** عاقل در اینجا به فردی اشاره دارد که دارای درک، خرد و قدرت تحلیل است. این واژه نشان می دهد که مردان عاقل، به دلیل اخلاق و رفتار نرم و منطقی خود، تحت تأثیر ویژگی های زنان قرار می گیرند.

**الجاهل (شخص جاهل):** جاهل در این عبارت به معنای فردی است که رفتارهای خشن، بی منطق و پرخاشگرانه دارد. این واژه نقش مهمی در تحلیل بخش دوم حدیث ایفا می کند، زیرا نشان دهنده تضاد میان خرد و جهل است.

### تفسیر عرفانی و اخلاقی حدیث

**غلبه زنان بر عاقلان:** در نگاه عرفانی، این بخش از حدیث اشاره به قدرت محبت و لطافت زنان دارد. مولانا در مثنوی معنوی این غلبه

را به تأثیر عمیق عواطف و رفتار ملایم زنان بر قلب انسان های عاقل و صاحب دل نسبت می دهد. از دید اخلاقی، این بخش تأکید دارد که عاقلان با رفتار منطقی و انسانی خود، فضای لازم برای تأثیرگذاری زنان فراهم می کنند.

**غلبه جاهلان بر زنان:** از منظر عرفانی، این بخش حدیث به رفتار خشونت آمیز و پرخاشگرانه جاهلان اشاره دارد. مولانا این رفتار را نتیجه جهل و فقدان اخلاق می داند. در جامعه شناسی اسلامی، این رفتار ناپسند محکوم شده و توصیه شده است که مردان باید با زنان به شیوه ای نیکو و محترمانه رفتار کنند: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (آیه ۱۹ سوره نساء)

### تحلیل روان شناختی حدیث

زنان اغلب دارای ویژگی های احساسی و عاطفی قوی تری هستند که می توانند در روابط انسانی بر مردان تأثیر بگذارند. مردان عاقل با فهم و درک این ویژگی ها به زنان میدان عمل می دهند، در حالی که مردان جاهل با رفتار خشن و ناسازگارانه، این روابط را تخریب می کنند.

**تفاوت واکنش ها:** حدیث به تفاوت واکنش مردان عاقل و جاهل در برابر زنان اشاره دارد. عاقلان با نرمش و خرد رفتار می کنند، اما جاهلان به دلیل ضعف در کنترل احساسات و بی خردی، به خشونت متوسل می شوند.

### تطبیق با آموزه های اسلامی

آیات قرآن: قرآن بارها به رفتار نیکو با زنان توصیه کرده است: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹). مردان موظف به رفتار نیکو و محبت آمیز با زنان هستند.

«هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷): این آیه به ارتباط نزدیک و احترام متقابل میان زن و مرد اشاره دارد.

### احادیث مشابه:

پیامبر اسلام (ص) فرموده اند: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ، وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي»: بهترین شما کسی است که با خانواده اش بهترین رفتار را

داشته باشد. این حدیث نشان می‌دهد که رفتار نیکو و محبت‌آمیز با زنان نشانه خردمندی و اخلاق است.

### تحلیل اجتماعی حدیث

نقش زنان در جامعه: این حدیث به قدرت عاطفی و اخلاقی زنان در جامعه اشاره دارد. زنان با رفتار و صفات خود می‌توانند الهام‌بخش مردان خردمند باشند. از سوی دیگر، اگر مردان رفتار جاهلانه داشته باشند، ممکن است به دلیل خشونت و جهل، زنان را تحت فشار قرار دهند. آموزه‌های اسلامی، اعم از آیات قرآن و احادیث نبوی، بر روابط سالم، احترام متقابل، و رفتار نیکو میان انسان‌ها تأکید دارند. حدیث «إنهن یغلبن العاقل و یغلبن الجاهل» نیز در نگاهی دقیق‌تر، با این اصول سازگاری دارد و بر ارزش‌های اخلاقی، عاطفی، و اجتماعی که اسلام ترویج می‌دهد، اشاره دارد. حدیث «إنهن یغلبن العاقل و یغلبن الجاهل» تأکیدی است بر اهمیت رفتار خردمندانه و اخلاقی در روابط انسانی، به ویژه میان زنان و مردان. این حدیث از یک سو به قدرت عاطفی زنان اشاره دارد و از سوی دیگر، رفتار خشن و جاهلانه مردان را محکوم می‌کند. تطبیق این حدیث با آموزه‌های قرآنی و احادیث پیامبر (ص) نشان می‌دهد که پیام اصلی آن تأکید بر اخلاق و خردمندی در روابط انسانی است.

### دیدگاه‌های سنتی و معاصر

دیدگاه‌های سنتی معمولاً این حدیث را به عنوان بیان واقعیتی از روابط انسانی و قدرت تأثیرگذاری زنان تفسیر می‌کنند. به عنوان مثال، در "شرح السنن" اثر ابن رجب (جلد ۴، صفحه ۲۰۳) آمده است که این حدیث نشانگر توانایی زنان در استفاده از روش‌های غیرمستقیم برای جلب نظر و تأثیرگذاری است. از سوی دیگر، در دیدگاه‌های معاصر، تحلیل این حدیث بیشتر به سمت بازنگری در تفسیرهای گذشته و انطباق آن با شرایط اجتماعی امروز سوق پیدا کرده است. نویسندگانی مانند شیخ یوسف قرضاوی در کتاب "فقه زن در اسلام" (صفحه ۸۷) به این نکته اشاره کرده‌اند که باید احادیثی از این دست را در بستر فرهنگی و تاریخی خود بررسی کرد و تفسیرهای متعادل‌تری ارائه داد. احادیثی از این قبیل می‌توانند

تأثیرات عمیقی بر نگرش جامعه نسبت به زنان داشته باشند. تفسیرهای متفاوت از این حدیث در طول تاریخ منجر به شکل‌گیری نگرش‌های متنوعی درباره نقش و جایگاه زنان شده است. برخی از مفسران سنتی، این حدیث را به عنوان بیان قدرت عاطفی و هوش زنان تلقی کرده و آن را مثبت دانسته‌اند. با این حال، نقدهای معاصر بر این باورند که چنین احادیثی در صورتی که به درستی تفسیر نشوند، می‌توانند منجر به کلیشه‌سازی و کاهش ارزش زنان در جوامع اسلامی شوند.

در متنوی معنوی مولانا که کتابی عرفانی است خود قطعاً بر قوت راوی تأکید و دلالت داشته و راوی مورد توثیق قرار گرفته است. از دیگر سو در خصوص احادیثی که در مثنوی هست بخش عمده‌ای از آنرا در کتاب معارف بهاء ولد و معارف سید برهان می‌توان دید. با توجه به علاقه‌ی مولانا به بزرگانی چون سنایی و عطار و انسی که با آثار این دو داشته بسیاری از احادیث مندرج در مثنوی را می‌توان در آثار این دو بزرگ یافت، ضمن اینکه مولانا با مشاهیر و مشایخ بزرگ پیش از خود هم آشنا بوده و به مطالعه‌ی آثار ایشان نیز بی‌علاقه نبوده است. بی‌تردید آن آثار می‌توانسته در زمره‌ی مآخذ نقل حدیث در مثنوی قرار گرفته باشد مثل: قوت القلوب ابوطالب مکی، رساله قشیریه، کشف المحجوب هجویری و برخی رساله‌های سلمی، آثار امام محمد غزالی به ویژه کتاب احیاء علوم الدین. (Emami, 2009). با این حال «مولانا به عنوان شاعر و صوفی از این سنت شاعران قبل و بعد از خود مصون نبوده است و همین مساله، انعکاس‌های مبهم و منفی را در شعر مولوی نسبت به زنان نشان می‌دهد. تصویری که مولوی از زن در دیگر تمثیل‌های خود به دست می‌دهد، برخاسته از توصیفات نمادین منفی است. در تصور او زن مظهر نفس، حرص، دارای صفات حیوانی و نفسانی، ظاهر نگر و دارای قضاوت و داوری سطحی است. با تامل در عمق اندیشه‌های مولانا و مقایسه سخنان او در مواضع مختلف، درمی‌یابیم که این اندیشه واقعی مولانا نیست بلکه مولانا در این موارد، منعکس‌کننده

تصورات مردم روزگار خود است و گرنه برخورد مولانا با زنان، لطیف و متعادل و منصفانه است.» (Emami, 2009).

مرتضی مطهری در مورد این حدیث می‌فرماید: «در ارتباط با حدیث اخیر- که در منابع اهل سنت نقل شده- باید گفت جاهل فردی است که جز خشونت سرش نمی‌شود، ولی آنکه دلی و فکری و احساسی دارد بیشتر مغلوب قرار می‌گیرد. لطف و محبت، صفتی انسانی است که افراد عاقل از آن بیشتر بهره می‌برند. آنان دل و فکری احساساتی دارند، اما جاهل انسانی است که معمولاً خشونت او زیاد است، در رفتار با زنان کمتر لطف و محبت دارد؛ لذا در برابر آن‌ها مغلوب نمی‌گردد». البته زنانی که با ایمان و گوش به فرمان دستورات خدا هستند، هیچ گاه در صدد برتری جستن و تحکیم خواسته‌های خود بر شوهران کریم خود برنیامده، بلکه مانند بانوان برجسته‌ای نظیر خدیجه (س) و فاطمه (س) زندگی معنوی زیبایی را با همسران خود رقم می‌زنند، از این رو اگر روایت اخیر را نیز بپذیریم، بخش اول آن را تنها ویژه زنانی می‌دانیم که در صدد سوء استفاده از اخلاق نیک همسرانشان هستند» (Motahhari, 2004). بنا به نظر آقای مطهری، این حدیث به پیامبر اسلام منسوب است. با نقد متن و بررسی از منظر مضمون و مفهوم کلامی، روایت با معیارها و رفتار رسول اکرم (ص) همخوانی دارد. همچنین از منظر عقل که «به عنوان حجت باطنی از آن یاد شده و برجایگاه رفیع آن در شناخت حق و باطل تاکید شده است» (Kulaini, 1987) گزاره مورد تایید می‌باشد. از نظر غرابت این روایت مطلبی دور از ذهن و غیر مانوس با ذهن و فکر نیست. با آیات قرآنی و سیره ائمه منافاتی ندارد از آن مهمتر عیبی در متن حدیث یافت نمی‌شود. از سویی دیگر رکاکت ۱ این حدیث فاقد کاستی و نارسایی است. بدون تناقض است و موجب سلب اعتماد نیز نمی‌باشد.

علت این دوگانگی در مورد زنان در روایات و جوامع اسلامی و از علل مهم تحریفات جهت دامن زدن به انزوای زن در اجتماع را می‌توان این گونه بیان کرد که: با گسترش اسلام و پذیرش آن توسط توده بزرگی از مردم عامی و بی سواد عقاید، خرافات و باورهای قدیمی شان به دین وارد شد. اسلام از دین نخبگان شهری و تحصیل کرده به هویت اجتماعی اکثریت تبدیل شد و در واقع با ایمان آوردن ترک‌های چادر نشین آسیای صغیر و هندوهای طبقه پایین و بربرها و.. عقاید این ملتها کم کم به کاسه دین سرازیر شد. اسلامی شدن اسمی این توده‌ها که با سنتهای طبقات بالا و فرهیختگان فرهنگی به زحمت در تماس بودند به معرفی عقاید و اعمال غیر اسلامی به اسلام شد. همزمان با این پدیده ظهور قلندرها و دراویش که به ظاهر بی اعتنا بودند و از زن و زندگی هر دو اجتناب می‌کردند یا در برابر عوام تظاهر به بی رغبتی و دوری می‌کردند و ظهور فرقه اسماعیلیه و همزمان با آن حمله مغول به ممالک اسلامی و رواج روایات ضد زن و ضد دینی را در جامعه هموار کرد.

### نتیجه‌گیری

حدیث «إنهن یغلبن العاقل و یغلبهن الجاهل» پس از بررسی دقیق در منابع معتبر حدیثی اهل سنت و شیعه یافت نشد. با اینکه این جمله در متون حدیثی مستقیم به پیامبر اسلام (ص) نسبت داده نشده است، بازتاب آن در متون عرفانی، به‌ویژه مثنوی معنوی مولانا، نشان‌دهنده اهمیتی است که این مفهوم در تحلیل‌های اخلاقی و انسانی داشته است. مولانا این عبارت را در قالب اشعار عرفانی به پیامبر اسلام (ص) نسبت داده و معنای آن را با دیدگاه‌های اخلاقی و عرفانی خود درآمیخته است. بنابراین، این حدیث را نمی‌توان به‌عنوان یک روایت مستند در منابع دینی پذیرفت، اما مفاهیم آن شایسته تحلیل از دیدگاه اخلاقی، عرفانی، و جامعه‌شناختی است. این حدیث، به‌رغم نداشتن

<sup>۱</sup> عبارت است از هر گونه ضعف، کاستی و نارسایی در لفظ یا معنای حدیث؛ در سطحی که آن را از همسانی با گفتار معصومان خارج سازد. (Nassiri, 2012)



سند معتبر، پیامی اخلاقی و عرفانی درباره رفتار انسان‌ها به‌ویژه در روابط میان زن و مرد ارائه می‌دهد. در بخش اول آن، غلبه زنان بر مردان عاقل به قدرت عاطفی و اخلاقی زنان اشاره دارد که عاقلان، با درک و خرد خود، به آن پاسخ مثبت می‌دهند. این مفهوم در هماهنگی کامل با آموزه‌های اسلامی درباره مودت، رحمت، و احترام متقابل میان زن و مرد است. بخش دوم حدیث نیز نقدی بر رفتار جاهلانه مردانی است که به جای محبت و خرد، به خشونت و زورگویی متوسل می‌شوند. این نقد به‌روشنی در آموزه‌های اسلامی، مانند آیات قرآن و احادیث نبوی، قابل مشاهده است که رفتار خشن و تحقیرآمیز نسبت به زنان را نکوهش می‌کنند. بررسی تطبیقی این حدیث با آموزه‌های اسلامی نشان داد که قرآن و احادیث نبوی تأکید بسیاری بر رفتار نیکو، احترام، و محبت میان زن و مرد دارند. آیاتی مانند «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء: ۱۹) و «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱) به‌وضوح این پیام را منتقل می‌کنند که روابط میان زن و مرد باید بر پایه محبت و احترام استوار باشد. همچنین، احادیث نبوی مانند «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ» نشان می‌دهد که مردان باید با خانواده خود، به‌ویژه با زنان، با کرامت و نیکوکاری رفتار کنند.

conclusion also echoed in scholarly evaluations by figures like Al-Dhahabi (*Mizan al-I'tidal*), Al-Nawawi, and Ibn Hajar Asqalani (*Fath al-Bari*). Similarly, Shia hadith collections like *Al-Kafi* and *Wasa'il al-Shia* failed to substantiate the narration. This absence underscores the importance of distinguishing between textual attributions in mystical literature versus authenticated religious sources (Ibn Hajar Asqalani, 2003).

Building on this, the semantic analysis highlights the dual dimensions of the narration. The first part suggests that women's influence over wise men derives from emotional and ethical strength, resonating with the Quranic principle of living with kindness (*al-Nisa*: 4:19). Conversely, the latter half critiques the dominance of ignorant men over women, attributing it to harshness and a lack of understanding, a behavior condemned in Quranic and Prophetic teachings. These interpretations

حدیث «إنهن يغلبن العاقل و يغلبهن الجاهل» نیز با این آموزه‌ها هماهنگ است؛ زیرا در بخش اول خود، رفتار محبت‌آمیز مردان عاقل را تأیید می‌کند و در بخش دوم، رفتار جاهلانه و خشن را نقد می‌نماید.

با توجه به نتایج به دست آمده، این حدیث می‌تواند الهام‌بخش مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه‌های مختلف باشد:

مطالعات عرفانی و ادبی: بررسی نقش مولانا و دیگر عرفا در تفسیر و انتقال مفاهیم اخلاقی و انسانی مرتبط با زنان.

مطالعات اجتماعی: تحلیل نقش عاطفی و اخلاقی زنان در تقویت روابط انسانی در جوامع مدرن.

مطالعات دینی: مقایسه این حدیث با آموزه‌های قرآنی و احادیث نبوی برای استخراج الگوهای اخلاقی.

#### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

#### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

#### EXTENDED ABSTRACT

The narration, "Indeed, they overcome the wise, and the ignorant overcome them," holds a pivotal position in both mystical literature and ethical discourse within Islamic culture. Despite its widespread reflection in texts such as Rumi's *Masnavi-ye Ma'navi*, its authenticity within Islamic hadith literature has been a subject of scholarly scrutiny. This study delves into the chain of transmission, semantic nuances, and compatibility of the narration's content with Islamic teachings, emphasizing its relevance in modern ethical and social contexts.

The investigation begins with a meticulous exploration of primary Sunni and Shia hadith sources, such as *Sahih al-Bukhari*, *Musnad Ahmad ibn Hanbal*, *Al-Kafi*, and *Bihar al-Anwar*. The analysis revealed no credible chain of transmission for this hadith in these foundational texts, a

emphasize the narration's alignment with Islamic values of compassion and mutual respect, as reflected in sayings like "The best of you are those who are best to their families" (*Jami' al-Tirmidhi*) (Motahhari, 2004).

This study also investigates the narration's ethical and mystical dimensions within Islamic culture. Rumi's interpretation of the hadith in *Masnavi* encapsulates its spiritual essence, portraying women's emotional influence as a reflection of divine love and human connection. By juxtaposing this with the Quranic concept of harmonious relationships (*al-Rum: 21*), the research underlines the universal message of balance, kindness, and respect in human interactions. While Rumi utilized the narration poetically, it serves as an entry point into broader discussions on ethics and spirituality within Islamic tradition (Ibn Hajar Asqalani, 2003).

The ethical implications extend beyond historical and mystical contexts into contemporary discussions on gender dynamics and social justice. The findings advocate for viewing women as integral to fostering emotional and social well-being, countering stereotypes perpetuated by less nuanced interpretations of such narrations. Moreover, it calls for reevaluating the role of mystical and ethical frameworks in addressing modern societal challenges, emphasizing compassion as a cornerstone of Islamic teachings (Kulaini, 1987).

From a methodological perspective, this research employs a descriptive-analytical approach, drawing on both classical texts and contemporary critiques. It situates the narration within the broader Islamic discourse on ethics and spirituality while critiquing its misrepresentation in certain cultural practices. By examining its role in shaping perceptions of women, it sheds light on the intersection of tradition and modernity in Islamic thought (Emami, 2009).

In conclusion, while the hadith lacks an authenticated chain of transmission, its ethical and mystical interpretations hold significant value for Islamic culture and contemporary society. By

promoting wisdom, mutual respect, and emotional intelligence, this narration aligns with the overarching ethos of Islamic teachings. The study underscores the need for a nuanced understanding of such narrations, advocating for their integration into ethical discourses that transcend historical and cultural boundaries. Future research could explore its applicability in interdisciplinary studies, including theology, gender studies, and social ethics.

## References

- Emami, N. (2009). Women in Rumi's *Masnavi*. *Studies in Persian Language and Literature*, 1, 27-34.
- Ibn Hajar Asqalani, A. I. A. (2003). *Fath al-Bari, Commentary on Sahih Bukhari* (Vol. 3). Dar al-Kutub al-Ilmiyya.
- Kulaini, M. I. Y. q. (1987). *Al-Kafi*. Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- Motahhari, M. (2004). *Introduction to the Quran* (Vol. 1).
- Nassiri, A. (2012). *Methodology of Hadith Criticism*. Ma'arif Wahy wa Kherad.